



واکاوی مولفه های سازنده مکتب معماری اصفهان در نمونه مطالعاتی کاخ هشت بهشت اصفهان

نرگس لقمانی^{1*}، نریمان فرح زا²

1- نرگس لقمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه یزد، loghmani.narges@gmail.com
2- نریمان فرح زا، عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، nariman_farahza@yahoo.com

چکیده

با گذر از مکتب اصفهان، می توان شاهد اصول و قواعدی بود، که شهرسازی و معماری بر مبنای آنها شکل گرفته اند. بیشترین مطالعات صورت گرفته در حوزه مکتب اصفهان، شهر و شاکله آن را مورد بررسی قرار داده است و پژوهشگران به این نکته رسیده اند که شهر اصفهان و فضاهای شهری آن بر اساس نظامها و مولفه های: گیاه، هوا، آب، خاک، نور و نظم مقدس طرح ریزی شده است. حال این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی و استخراج اطلاعات از منابع کتابخانه ای و مشاهده مستمر کاخ هشت بهشت اصفهان، و تجزیه و تحلیل آن در غالب جداول، سعی در بیان این نتیجه می باشد که نظام های آب، خاک، هوا، گیاه، نور و نظم مقدس در مقیاس تک بنا، مولفه های سازنده معماری این مکتب می باشند و این اصول به عنوان الگوهای پایدار در طراحی های معاصر می توانند مورد الهام طراحان قرار گیرند.

واژه های کلیدی:

معماری اصفهان، مکتب اصفهان، نظام های مکتب معماری اصفهان، کاخ هشت بهشت اصفهان



مقدمه

استاد پیرنیا مکتب معماری ایران را به شش شیوه تقسیم می‌کند که عبارتند از پارسی، پارتی، خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی. مکتب اصفهانی آخرین شیوه معماری ایرانی است و البته خاستگاه این مکتب شهر اصفهان نبوده، ولی در آنجا رشد نموده‌است و بهترین نمونه‌های آن در این شهر ساخته شده‌اند. حکومت صفوی با تکیه بر مفاهیم مذهب شیعه، متمرکزترین دولت ایرانی پس از اسلام را پایه گذاری می‌کند و شاه عباس با رشد و توسعه روابط سیاسی و اجتماعی با ملل جهان اقتصاد و بازرگانی کشور را شکوفا می‌سازد. این شکوفایی اقتصاد در زمینه هنر شهرسازی و برپایی شهر، الگوی تازه را پایه می‌نهد که به علت خاستگاه سرزمینش، مکتب اصفهان نام می‌گیرد. این دوره یکی از خلاق‌ترین ادوار هنر اسلامی و نیز فلسفه و متافیزیک اسلامی است (نصر، 1375). از حکمایی که مکتب اصفهان را در دل این حکمت پرورده‌اند، می‌توان از شیخ بهاء الدین عاملی، مشهور به شیخ بهایی نام برد، چهره ممتاز مکتب اصفهان در شهرسازی و معماری، میرداماد، چهره ممتاز این مکتب در فلسفه و کلام، میرزا ابوالقاسم میرفندرسکی، ملامحسن فیض کاشانی، مجلسی دوم و صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا نام برد (حبیبی، 1377). در این مکتب معماری نه در حد بناهای منفرد که در حد مجموعه‌های شهری مطرح می‌گردد. معماری شهری و خلق فضاهای آن قرار دارد و این جهان بینی متکی بر مفاهیم عرفانی که با تشکیل دولت صفوی بستر مادی می‌یابد تا بر آن بتوان آرمان شهر خویش را برپاداشت. با چنین مفهوم و چنین مصادیق عینی، مکتب اصفهان را می‌توان به عنوان اولین مکتب در سیر تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی تا قبل از شروع دوران معاصر بازشناخت. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که مولفه‌های سازنده معماری مکتب اصفهان که موجب تقویت هویت در آثار طراحان می‌شود، کدام اند؟

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی صورت گرفته است. ابتدا بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، مروری بر مکتب اصفهان شده است و در گام بعد، کاخ هشت بهشت اصفهان را مورد تحلیل قرار داده و در انتها مولفه‌های سازنده این بنا در جداولی ارائه شده‌اند.

معرفی نمونه مطالعاتی

از ورای دیوار مشبک چهارباغ، فضاهای بزرگ و سبز باغ-کاخ‌ها، به چشم می‌خورد. از درون روزن دیوار، باغی ظاهر می‌شود همراه با کاخی هشت ضلعی در میان آن، باغ و کاخ گویی تعلق به این جهان ندارند، خیالی هستند از آرزوی جاودان. صدای آب، چرخش نسیم، خیال را قوت می‌بخشد. کاخ هشت بهشت در باغ بلبل قرار دارد و در سال 1669 م. توسط سلیمان اول، جانشین شاه عباس سوم ساخته شد. این باغ، که در مقابل یک راه سرپوشیده قرار دارد، نه تنها با میدان در یک راستا قرار دارد، بلکه با محور خیابان چهار باغ در آن طرف نیز هماهنگ است. این کلاه فرنگی دو طبقه، که هر ضلع آن سی متر است، شامل یک تالار مرکزی سرپوشیده با طاق قوسی مقرنس است که در بالای آن یک ساختار فانوسی قرار دارد. در پیچه‌های بزرگ در هر دیوار به دهلیزهایی منتهی می‌شوند که رو به حیاط قرار دارند و درهای کوچکی در گوشه‌ها هستند که به اتاق‌های دو طبقه ختم می‌شوند. این پلان با هشت اتاق، که در اطراف یک تالار گنبد دار مرکزی قرار گرفته‌اند، نام هشت بهشت را ایجاد می‌کند که اشاره به طبقه هشت در هستی شناسی اسلامی دارد. متونی هستند که اشاره می‌کنند تیموریان و ترکمن‌ها قبلاً چنین کاخ‌هایی را در هرات و تبریز در قرن پانزدهم میلادی ساخته بودند و این پلان مورد توجه مغولان هند بوده و برای مقبره‌هایی چون تاج محل به کار می‌رفت. هشت بهشت حتی بیشتر از عالی‌قاپو و چهلستون نشان دهنده ترکیب فضاهای دورنی و بیرونی کاخ صفویان است. از قسمت



داخلی همیشه می‌توان باغ بیرون را دید و از باغ‌ها میتوان فضای داخلی را دید. سیستم آبرسانی، آب‌نمایی را در حوض مرکزی و آبشارهای پله‌ای ایوان جنوبی و ضلع شمالی را تغذیه می‌کند، به طوری که آب جاری نفوذ متقابل آب را در قسمت‌های مختلف بیشتر می‌کند. در مورد نور نیز چنین است؛ بخش داخلی از چندین منبع روشنایی می‌گیرد و نور از طریق آب و موزاییک‌های آینه‌ای سقف منعکس می‌شود.



شکل 1- کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان

کلاه فرنگی هشت‌بهشت، مانند دیگر ساختمان‌های کاخ دارای تزیینات فراوانی است. چند قاب‌بندی کاشی‌کاری، با پرنده‌ها و حیوانات در پشت بغل‌های قسمت خارجی باقی مانده‌اند و ابتدا در اینجا می‌بایستی صحنه‌های ظریف دیگری مانند ردیف‌های کاشی هفت‌رنگ بوده که امروز به موزه‌ها منتقل شده‌اند. قاب‌بندی‌های بزرگ، که از کاشی‌های چندگانه ترکیب شده‌اند، فیگورهای مردان و زنانی را در فضای باغ نشان می‌دهند؛ جوانانی که خوراکی و نوشیدنی تعارف می‌کنند، معادل‌های کاشی‌کاری نقاشی‌های داخلی چهلستون هستند. بیشتر تزیینات داخلی در هشت‌بهشت در قرن 19 م. بازسازی شدند. حاشیه غربی کاخ با خیابان طویل چهار باغ مشخص است (گراپر، 1388).

نظام‌های مکتب اصفهان

در ساخت شهر اصفهان علاوه بر اجزا و عناصر کالبدی که محیط مصنوع را شکل می‌دهند، مولفه‌های مادی و معنوی دخالت می‌کنند که در مقیاس کلی و جزئی بر شکل‌گیری صورت و معنای شهر اصفهان موثراند. مولفه‌های مادی، ارتباط پدیده مصنوع را با عوامل ماده و عالم مثال می‌سازند. در واقع نظم‌های آب و هوا که مظهر عالم مثال‌اند و نظم‌های خاک و گیاه که مظهر عالم ماده‌اند، شهر اصفهان را شکل می‌دهند و معانی را حاضر می‌کنند که از محدوده عالم خاکی فراتر رفته و بر عالم ملکوت دلالت می‌کنند. این نظم‌های 4 گانه خود سایه‌ای از نظم کیهانی مقدس هستند. با به کارگیری این نظم‌ها در شکل دهی به فضای شهری و در تعامل انسان با این محیط است که لایه‌های معنایی عمیق در پس شکل ظاهری نمود می‌یابد. با استفاده از نظم‌های چهارگانه زمینی و نظم آسمانی، فضای مصنوع و فضای طبیعی به وحدت می‌رسند و انسجام محیط طبیعی و انسان ساخت حاصل می‌آید (اهری، 1385).



با این مفاهیم و انگاره‌ها و با این مصادیق و کالبدها، مکتب اصفهان موفق می‌شود معماری و شهرسازی را نیز بر پایه اصول و قواعدی قرار دهد، که بر آن مبنا دستگاه فلسفی خویش را بنا کرده بود. این اصول و قواعد سبب می‌شود که در این مکتب با زبان و بیانی مواجه شویم که علی‌رغم گویش‌های متفاوت مکانی، از دستور زبانی ویژه تبعیت می‌کند.

این دستور زبان بر مبنای نظام بیان شده می‌باشند. در ترکیب و باز ترکیب چهار نظم آب، خاک، گیاه و هوا، مکتب اصفهان موفق شده است با مفاهیمی واحد، مصادیقی متفاوت و گوناگون را با توجه به محیط، مکان و زمان بیان کند؛ به گونه‌ای که فضای ساخته شده در نظمی آهنگین و هماوا با طبیعت پیرامون خویش قرار گیرد. با تبعیت از نظم‌های چهارگانه و با قدرتی کامل این مکتب توانست شعر معماری و شهرسازی را در فضا و بنا بسراید. این شعر کالبد یافته در فضا و بنا، نه برای ارضای مفاهیم ظاهری و مادی، که برای کالبد بخشیدن به همان نظم مقدس کیهانی است.

1- نظم خاک :

نظم خاک یعنی زمین، که مکان قرارگیری شهر است با همه خصوصیات نشیب و فرازی‌اش. انطباق با نظم خاک یا به صورت صوری است، یعنی هماهنگی از نظر رنگ و شکل ظاهری فضای ساخته شده با زمین اطراف که اغلب نیز با کمک مصالح ساخته شده از خاک صورت می‌گیرد. یا به صورت ساختار شکلی است، یعنی استفاده از خصوصیات هندسه وضعی (تپوگرافی) زمین و هماهنگ شدن با نشیب و فراز آن به دو صورت: استفاده از اختلاف ارتفاع در قسمت‌های مختلف زمین برای ایجاد فضا و یا ایجاد سطوح و لایه‌های مختلف بر سطح زمین مثلاً رفتن به سطح زیرزمین و یا ایجاد سطوح مصنوعی در ارتفاع.

2- نظم هوا :

نظم هوا عبارت است از جریان‌های هوایی که به صورت مطبوع یا مزاحم، حیات شهر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هماهنگی با نظم هوا به ویژه در اقلیم‌های گرم و خشک به مفهوم هماهنگی محیط مصنوع با جریان‌های مطبوع و محافظت آن از جریان‌های مزاحم هوایی است، یعنی ایجاد هوای مطبوع - به تعبیری بهشت گونه - در محیط مصنوع. نظم هوا در ضمن - چنان که دیدیم - در آموزه‌های مکتب الهی اصفهان می‌تواند اسباب دخول به عالم مثال گردد.

3- نظم آب :

نظم آب به معنی حضور آب در محیط مصنوع است، خواه به صورت طبیعی یا در مسیرهای انسان ساخت و به دو شکل آب جاری و آب مانا. حضور آب جاری، تمثیل نهرهای جاری در ملکوت است و حضور آب مانا، ایجاد آئینه ایست که - مطابق با آموزه - های مکتب الهی اصفهان - دروازه ورود به عالم مثال است.

4- نظم گیاه :

نظم گیاه به معنی طبیعت پیرامون است و هماهنگی با آن به صورت‌های زیر است: از نظر صوری با حضور گیاه در فضا و در حالتی که خود گیاه وجود ندارد، تقلید آن از نظر شکل و رنگ در تزیینات ظاهری بدنه ساخته شده، از نظر ساختار شکلی با تقلید از ساختار گیاه در ترتیب مکانی - فضایی شالوده شهری؛ از نظر مفهومی حضور گیاه تمثیل باغ بهشت است بر زمین.



5- نظم مقدس:

نظم مقدس به مفهوم هماهنگی محیط مصنوع و محیط انسان ساخت با باورهای اعتقادی و آیینی است که جهان بینی مبتنی بر آنها شکل گرفته است. این نظم هم خود را به صورت ظاهری با علائم و نشانه‌ها آشکار می‌سازد، هم در ساختار شکلی با تغییر جهت بناها به سمت قبله و سایر جهت‌های مقدس (مثل مشرق برای کلیساهای مسیحی) و هم با استفاده از نمادها و نشانه‌های طبیعی یا مصنوعی که یادآور نظم فوق باشند به ویژه نمادها و نشانه‌هایی که بازتاب عالم مثال و خصوصیات آن هستند. در این میان، نور خصوصیتی ویژه در بازتاب مفاهیم نظم مقدس در فضای شهری دارد. به کارگیری این نظم‌ها محیط طبیعی و مصنوع را در هماهنگی و هماوایی با یکدیگر و در راستای آموزه‌ها و مفاهیمی قرار داده است که مکتب شهرسازی اصفهان از آن تبعیت می‌کند. جنبه دیگر استفاده از نظم مقدس، استفاده از نور و تاریکی در خلق قسمت‌های مختلف شالوده شهر است. به ویژه در بخش مرکزی شالوده رسوخ نور از نورگیرهای گنبد‌های بازار به درون و یا از مشبک‌های گریوهای گنبد و یا منافذ دیگر و در فضاهای داخلی بناهای مختلف، نقش کلیدی در خلق فضاهای روحانی دارد. حیاط‌های بناهای مجاور راسته‌های بازار نیز، به صورت جزیره‌های نورانی در پی مسیرهای تاریک، خود را می‌نمایانند و به تعبیری، نظم نور بار دیگری است که با پود شالوده شهر در هم تابیده می‌شود. نظم مقدس خود سازنده فضای مقدس است (اهری، 1385).

در یک جمله می‌توان بیان نمود: نظم گیاه و نظم آب و انطباق و وحدت با نظم خاک هستند و مکمل آن و هرسه در هماهنگی با نظم هوا و همگی در انگاره‌های مکتب اصفهان، بازتاب نظم مقدس اند.

بررسی میزان تطبیق نظام های مکتب شهرسازی در معماری این مکتب

1- نظم نور

جدول 1-نظم نور در کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان

توضیحات	تصاویر	نظم نور
اهمیت اسن بنا بیشتر بخاطر فضا آفرینی است تا جنبه های تزیینی، فضا های دورنی و بیرونی را به دشواری می‌توان از یکدیگر تمییز داد؛ چه ، همواره انسان خارج را از طریق داخل می‌شناسد و داخل را از طریق خارج، این تداخل حجم ها در یکدیگر با بهره‌گیری از آب تشدید یافته	 <p>شکل 2-هورنو در کلاه فرنگی هشت بهشت، مأخذ نگارندگان</p>	1- استفاده از کلاه فرنگی در مرکز سقف بنا



<p>است، با استفاده از مهندسی آب، فواره ای را در آبگیر مرکزی و آبشارهایی را در ایوان جنوبی و آن سوی پهلوئی شمالی تغذیه می کردند (یاوری، 1390).</p>	<div style="text-align: center;">  <p>شکل 3- گشودگی های اطراف کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان</p>  <p>شکل 4- نمایش سایه-روشن ها در مقطع کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان</p> </div>	<p>2- استفاده از قابهایی برای ورود نور به داخل فضا</p> <p>3- استفاده از سطوح آینه کاری در بنا</p>
	<p>داخل بنا از چند منبع روشن است؛ تاثیر اولیه آب لرزان و مرتعش و آینه کاری معرق سقفها(یاوری، 1390).</p>	

2- نظم خاک

جدول 2- نظم خاک در کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان

<p>آجر در واقع چهره زمینی به بنا بخشیده است.</p>	<p>استفاده از آجر به عنوان تضمینی بر ارتباط نمای بنا با طبیعت عمل می کند.</p>	<p>استفاده از مصالحی که جنس آنها برگرفته از خاک است، نظیر: آجر، خشت</p>
<p>استفاده از اختلاف ارتفاع در قسمت های مختلف زمین برای ایجاد فضا و یا ایجاد سطوح و لایه های مختلف بر روی زمین.</p>		



3- نظم آب

جدول 3- نظم آب در کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان

<p>1- استفاده از حوض آب در وسط بنا و دورتا دور بنا</p>	
<p>شمال</p> <p>2- استفاده از استخرهای بزرگ در شرق و غرب</p>	
<p>شکل 5- نمایش حوض های آب در مقطع کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان</p> <p>شکل 6- نمایش حوض های آب در پلان کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان</p> <p>توضیحات : مقابل بنا، استخری است که انواع پرنده های آبی در آن وجود دارد دو مورد لازم به ذکر است، یکی آب جاری در محل پیرامون محل زیست که عینی ساختن تصور باغ بهشت است و دیگری ایجاد دریاچه با پرندگان و گیاهان که باز نمودی از باغ بهشت است.</p>	

4- نظم هوا :

جدول 4- نظم هوا در کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان

<p>شکل 7- نمایش جریان هوا در مقطع کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان</p>	<p>1- استفاده از گشودگی هایی در بنا برای ورود هوا به فضا</p>
--	--



<p style="text-align: center;">شمال</p> <p style="text-align: center;">شکل 8- نمایش جریان هوا در پلان کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان</p>	<p>2- استفاده از استخرهای آب در جهت باد برای مرطوب و فیلتر کردن هوا</p>
<p>توضیحات: تحلیل های صورت گرفته نشان می دهد که به غیر از ماه های تیر، مرداد و شهریور که جهت باد غالب، شرقی و آبان که جهت باد غالب، جنوب غربی است، در سایر ماه های سال جهت باد غالب از غرب است. در فصل بهار، الگوی وزش باد تغییر چندانی نمی کند و بادهای غربی و جنوب غربی، همچنان اهمیت ویژه خود را دارند. در فصل تابستان با گرم شدن هوا، بادهای جبهه غربی ضعیف می شوند و در عوض، بادهای جبهه شرقی (شمال شرقی، شرق و جنوب شرقی) شدت می گیرند. (بحران هوا در تابستان است، در این فصل بادهای از سمت شرق می وزند که با عبور از استخر، هواخنک شده و به واسطه گشودگی ها وارد فضا می شود).</p>	

5- نظم گیاه

جدول 5-نظم گیاه در کاخ هشت بهشت، مأخذ نگارندگان

<p style="text-align: center;">شکل 9- نمایش احاطه گیاهان در مقطع کاخ هشت بهشت اصفهان، مأخذ نگارندگان</p> <p style="text-align: center;">شکل 10- نمایش احاطه گیاهان در پلان کاخ هشت بهشت اصفهان، مأخذ نگارندگان</p>	<p>1- احاطه شدن بنا با درختان و طبیعت</p>
--	---



  <p>شکل 11- گشودگی های اطراف کاخ در چهارطرف بنا، مأخذ نگارندگان</p>	<p>2- ایجاد قاب‌ها و گشودگی‌هایی برای دعوت طبیعت به داخل بنا</p>
<p>توضیحات: با وجود گشودگی‌های چهار طرفه در دور بنا می‌توان بیان نمود معمار، باغ را به میان کاخ جاری کرده است (یاوری، 1390). همچنین با گذر از سطح‌های مختلف بنا، طبیعت و برشی از آسمان در زوایای مختلف قرار می‌گیرند و تضادهای داخل و خارج همچون گردش روزگار معرفت‌تصاویری است که در آن وقار، آرامش و سکوت طبیعت راه‌گشای مکتب، عبادت و تخیل به ابعاد و گستره جهان است (دیبا، 1378). با عنایت به مفهوم «عالم همه منظر اوست»، مکتب اصفهان از ایجاد نقطه‌گریز دید و توجه تام و تمام به یک نقطه حذر می‌کند. در مقابل هر نقطه‌ای از استقرار، منظره‌ای گشوده می‌شود و به فراخور مقیاس و سلسله مراتب مکانی، عناصر متفاوت در ترکیب فضایی با یکدیگر قرار می‌گیرند.</p>	

6-نظم مقدس

همه عوامل بکار رفته در این بنا و سایر بناها نشان دهنده عالم مثال است، به عنوان نمونه حوض آب در بنا در وهله نخست، انعکاس آسمان و بناست، حال این تصویر معکوس یعنی رسوخ به عالم مثال، اقلیم هشتم، یا عالم برزخ بین عالم معقول و عالم محسوسات است. در واقع این همان نظام قدسی مکتب اصفهان است. دیدن چیزها در آئینه، به اصطلاح یکی از شیوخ ایرانی، در حکم «دیدن چیزها در هورقلیا»، عالی‌ترین مدینه تمثیلی یا عالم مثال یا اقلیم هشتم است (یاوری، 1390). آئینه، راه ورود به هورقلیا را به ما می‌نماید. به عقیده کرین، زمانی که نمود آئینه حاصل می‌شود، آنچه بالقوه مثبت بود، بالفعل آن تصویر، به صورت معکوس در سطح آئینه گون، مشهود می‌گردد، در این حال از قوه به فعل درآمدن تصویر، یعنی دخول ماده در عالم مثال (کرین، 1377). پس بنابراین آب، هوا، خاک، گیاه، نور، رنگ و... نمود نظم مقدس در مکتب معماری و شهرسازی اصفهان است.

نتیجه گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت، مولفه‌های سازنده مکتب شهرسازی اصفهان که در غالب نظام تعریف شده اند در مورد تک بناهای آن نیز صادق است. و با تکیه بر همین مفاهیم و نظام‌ها، مکتب اصفهان موفق شده است معماری و شهرسازی را نیز بر پایه اصول و قواعدی قرار دهد، که بر آن مبنا دستگاه فلسفی خویش را بنا کرده است. این اصول و قواعد سبب می‌شود که در این مکتب با زبان و بیانی مواجه شد که علی‌رغم گویش‌های متفاوت مکانی، از دستور زبانی ویژه تبعیت می‌کند. استفاده از این نظام‌ها پاسخی مناسب برای اقلیم اصفهان است که راه حلی پایدار برای طرح بنا به دست می‌آورد، همچنین قابلیت انطباق با دگرگونی‌های زمان و مکان را دارا هستند، بی‌آنکه مجبور به ترکیب کلامی، بیانی و فضایی دوران کهن بازگردند. این عین «شدن» در هر لحظه است؛ به بیانی دیگر بدلیل مقید نبودن به زبان، می‌توانند در معماری امروز هم بکار برده شوند.



مراجع

- [1] نصر، س، ح. هنر و معنویت اسلامی، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، 1375.
- [2] حبیبی، س، م. مکتب اصفهان در شهرسازی، هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، 1377.
- [3] گرابر، ا، هاتستین، م. معماری اسلامی، انتشارات سوره مهر، تهران، 1388.
- [4] اهری، زهرا. مکتب اصفهان در شهرسازی، دستور زبان طراحی شالوده شهری، 1385.
- [5] یآوری، ح، باوفا، ر. اصفهان باغ آسمان، سیری در حکمت معماری اسلامی و تزیینات وابسته به آن در دوره صفوی، سیمای دانش، 1390.
- [6] دیبا، د. الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، نشریه معماری و فرهنگ، دوره 1، شماره 1، 1387.
- [7] کرین، ه. مدینه های تمثیلی. در مقدمه بر کتاب اصفهان تصویر بهشت، فرزانه روز، تهران، 1377.